

گفت‌وگویی صبا با عوامل نمایش بیرون پشت در

# باری که جنگ بر دوش آدمیان می‌گذارد

آیا کاراکتر زن را به نوعی آنیمای کاراکتر بکمان در نظر گرفته‌اید؟

بله، محبت آنیمای آنیموس برای من بسیار جذاب بود و به نظر من وجود یک زن در این اثر به این شکل خالی بود. بکمان در طول اثر با دیگری خودش صحبت می‌کند. در اجرای قبل که خود من نقش بکمان را بازی می‌کردم احساس کردم که نمی‌توانم با دیگری ارتباط لازم را برقرار کنم و وقتی که تصمیم گرفتم یک خانم این نقش را بازی کند در همان تمرینات اولیه متوجه شدم که چقدر درست در آمد و بر اثر نشست.

ارجاعاتی به یک سری از آثار هنری مثل تابلوی مشهور «دختری با گوشواره مروارید» در نمایش دیده می‌شود در این

نمایش «بیرون پشت در» به کارگردانی برهام خاکزاد و تهیه‌کنندگی سجاد افشاریان این روزها مهمان سالن قشقایی تئاتر شهر است. این نمایش به نویسندگی محمد رحمانیان ثابت و بر اساس نمایشنامه معروف ولفگانگ بورشرت به همین نام است. در ادامه گفت‌وگویی خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

مریم عظیمی

گفت‌وگو

## برهام خاکزاد (کارگردان):

### تضاد در اثر را بیشتر می‌پسندم

برهام خاکزاد که دانشجوی رشته سینما در دانشگاه هنر و معماری پارس است، از سال ۹۸ فعالیتش را در حوزه تئاتر آغاز کرده و نمایش «بیرون پشت در» پنجمین همکاری او با سجاد افشاریان در تئاتر است.

### در باب دراماتورژی اثر و تغییراتی که اعمال کرده‌اید بگویید.

اولین باری که این متن را خواندم به این نتیجه رسیدیم که دقیقاً همان متنی است که بدنمایش هستیم. چند جلسه راجع به متن این صحبت کردیم که از این نمایشنامه چه می‌خواهیم و می‌خواهیم کدام بخش از آن را پررنگ‌تر کنیم و اساساً می‌خواهیم چه بگوییم.

هر صحنه این نمایشنامه به نوعی دنیای متفاوتی را تصویر می‌کند و یک فضای منحصر به فرد دارد، صحنه‌های مختلفی که در پایان به هم وصل می‌شوند و در نهایت یک سخن واحد از دلشان بیرون می‌آید و با اینکه این نمایشنامه سال‌ها پیش نوشته شده اما به نظر من شخصیت اصلی‌اش یعنی همان بکمان خود ما و جوان‌های این کشور و موقعیتی است که تجربه می‌کنیم. اینکه پشت درهای ما مانیم و کسی دری به روی ما باز نمی‌کند حتی اگر خودمان هم به سمت این درها برویم تا بتوانیم آن را باز کنیم و راهی را برای خودمان بسازیم همواره جلوی ما گرفته می‌شود و نمی‌خواهند که راهساز و راهگشا باشند. این مهم‌ترین دغدغه‌ای بود که من در این متن دیدم و اینکه چقدر این متن امروزی است و با حال و هوای ما و نسل ما سنخیت و سازگاری دارد. پس از صحبت‌های زیادی که با محمد رحمانیان ثابت داشتیم یک سری از صحنه‌ها را حذف کردیم و یک سری را نگه داشتیم. همینطور برخی از نوشته‌های دیگر بورشرت و جملات معروف را به آن اضافه کردیم و دیالوگ‌ها را هم کمی امروزی‌تر کردیم.

### بعد از جشنواره «هم آغاز» تغییراتی در کست بازیگران انجام دادید. دلایل این کار چه بود؟

من فکر می‌کنم که یک اثر هنری مخصوصاً یک نمایش یا تئاتر موجودی زنده و در حال رشد است که باید مراقبتش باشیم و هر آنچه نیاز دارد را به موقع به آن برسانیم و در طول تمرینات به این نتیجه رسیدیم که باید تغییرات اساسی در نمایش ایجاد و اثر را برای اجرای عموم قوی‌تر کنیم. این مسئله دو جنبه داشته یکی اینکه خودم فردی هستم که دوست دارم همواره آزمون و خطا و تجربه کنیم و از طرف دیگر فکر کردم که این نمایش به مثابه یک کودک کمی بزرگ‌تر شده و باید کمی بیشتر به آن برسیم و تقریباً کل کست بازیگران را تغییر دادیم.

### جشنواره «هم آغاز» برای تیم شما چه دستاوردی داشت؟

ما در جشنواره «هم آغاز» نمایش منتخب مردم و بهترین اثر از نگاه مردم بودیم. پایه و اساس جشنواره هم ورود جوان‌های فعال به سالن‌های دولتی بود چرا که شرایط برای جوانانی که بخواهند در سالن‌های دولتی مخصوصاً تئاتر شهر اجرا برونند بسیار سخت است. مثلاً حداقل باید رزومه اجرا در سال‌های دولتی داشته باشند یا ۵ اجرا در سالن‌های خصوصی رفته باشند. مسلماً یک جوان باید سالیانه سال کار کند تا بتواند یک اجرا در تئاتر شهر بگیرد، تازه اگر نوبت به شما برسد، کارتان آماده شود و بتوانید گروهتان را حفظ کنید و باقی مسائل.

زمانی که در حال اجرای نمایش «بک تو بک» بودیم فراخوان

جشنواره «هم آغاز» را دیدم و حقیقتاً بسیار خوشحال شدم. همان موقع به فکر متن افتادیم و تیمی که همه از بچه‌های دانشجوی رشته‌های تئاتر و سینما هستند را تشکیل دادیم و در طول اجرای نمایش «تنهایی و تن‌هایی وطن‌هایی» که هم بازیگر و هم دستیار کیورمتر مرادی بودم تمرینات ما ادامه داشت و هر روز پس از اجرای ایرانشهر برای تمرین به پلاتو می‌رفتم و این پروسه بسیار جذاب و جالبی بود... اما یکی از نکاتی که در جشنواره «هم آغاز» دیدم و به نظر من می‌توانست به شکل دیگری باشد تفاوت و عدم تعادل رنج سنی کارگردانان بود یعنی رده سنی اعلام شده بین ۲۰ تا ۴۵ سال بود و قطعاً رقابت یک جوان ۲۰ ساله با شخصی که ۴۰ سالش است و ۲۰ سال بیشتر از او در این فضا بوده و کار کرده جذاب نخواهد بود و درست نخواهد بود که این ۲۰ و آن ۴۰ ساله، هر دو را جوان بدانیم. اما در راس همه چیز می‌خواهم از آقای سید محمد جواد طاهری بسیار تشکر کنم. یکی از آرزوهای من این بود که بتوانم در تئاتر شهر به عنوان کارگردان و بازیگر فعالیت کنم همانگونه که برای همه بچه‌های تئاتر، تئاتر شهر یک مکان مقدس است و همه انرژی‌اش را دوست داریم و دوست داریم آنجا کار کنیم. فکر می‌کنم این حرکت جشنواره «هم آغاز» و امکان اجرا در تئاتر شهر به جوان‌ها انگیزه بسیار زیادی داد و پایه و اساسش نیز بر عهده آقای محمد جواد طاهری بود که می‌دانم تلاش بسیار زیادی کردند تا بتوانند این فشار را مهیا کنند.

